

میدون و سوفیا

چرا ما شاد نیستیم؟



پوریاء عالمی

• یک نماینده مجلس گفت: «جامعه ما متأسفانه شادی لازم را ندارد و باید مشخص شود چه عواملی موجب شده شادی در جامعه ما کاهش پیدا کند؟» ما به‌عنوان کارشناس مسائل شادی‌آور جواب این نماینده مجلس را می‌دهیم:

۱- تسوی تلویزیون و رادیو شش چهارم سال برنامه‌های مخالف شادی پخش می‌شود. آن دو روزی هم که روز جشن است، بین‌التعطیلین است که غم‌انگیز است.

۲- توی جامعه ما این طوری است که اگر کسی شاد باشد یا به شادی مردم فکر کند بهش می‌گویند دلقک، اما اگر گریه مردم را دریاورد بهش می‌گویند دلسوز جامعه.

۳- جامعه ما طوری است که اگر کسی بخندد می‌گویند جلف و بی‌شعور است. اما اگر کسی قیافه‌اش غمناک باشد می‌گویند آهان... این آدم حسایی و مأخوذ به حیا و باشعور است.

۴- خود آموزش‌وپروش و ادارات و مشاغل دولتی هم این‌طوری‌اند که وقتی برای مصاحبه می‌روی، هرچی بدبخت‌تر و ماتم‌زده‌تر و ... باشی، شانس اینکه قبولت کنند بیشتر است.

۵- قرص نان که نیست، آیا از قرص شادی‌آور استفاده کنند؟

۶- واقعا مردم بی‌انصافی داریم- چطور سخنرانی‌ها و تصمیمات برخی مسئولان را می‌شنوند و از قهقهه پیراهنشان جر نمی‌خورد؟

۷- توی بخشی از جامعه می‌گویند دختر اگر شادی کند و بخندد و دندان‌هایش معلوم شود... ولش کن. اینها هرچی می‌خواهند بگویند. دختر لباس رنگی بپوشد، بخندد، درس بخواند، بخواهد برود ورزشگاه، بخواهد برود مسابقه خارج از کشور، بخواهد برای تحصیل برود خارج از کشور و... یک سری ناراحت می‌شوند. طبیعی است که ببینند دختر دارد می‌خندد و شاد است سکنه را بزنند.

۸- با توجه به مورد قبل، اگر اینها ممکن است سکنه را بزنند، آیا بهتر نیست ما جلویشان را بگیریم؟! ۹- شادی مقدماتی لازم دارد. وقتی فقط مقدمات غم مهیاست چه‌کار کنیم؟

۱۰- بعید نیست از فردا پلیس خنده سر چهارراه بایستد و خنده ما را اندازه بگیرد.

جمع‌بندی: سوفیا... عشقم... مسئولان ما واقعا به این شعر که «نون چارکی سه‌عباسی... پیر سری دوعباسی... آدم مفلس رو چو من وامی‌داره به رقاصی!» اعتقاد دارند و فکر می‌کنند با مهندسی معکوس، هرچی اوضاع اقتصادی بدتر و اوضاع اجتماعی بدست‌تر و سخت‌تر شود، ما مردم شاد می‌شویم و واداشته می‌شویم به رقاصی.

تکنه

علم بهتر است یا ثروت

• **عصر ایران:** برای قدیمی‌ترها انشای علم بهتر است یا ثروت به توصیف و تحسین علم منتهی می‌شد. اما حالا وضعیت تغییر کرده است. یکی از برنامه‌ریزان درسی در مطلبی به تشریح موقعیت کنونی می‌پردازد. در بخشی از آن به کمبود تدریس سواد مالی در مدارس اشاره می‌کند. در بخش دیگر آمده است: برای آنها که دل خوشی از ریاضی ندارند، شاید شنیدن این توضیح ناخوشایند باشد که سواد مالی را می‌توان شاخه‌ای از «ریاضیات کاربردی» دانست که به واسطه عجن‌بودن آن با مباحثی نظیر عدم قطعیت، ریسک و تصادفی بودن اتفاقات، ارتباط نزدیکی با مبحث «احتمالات» دارد. در واقع سواد مالی، دانشی میان‌رشته‌ای است که هم همسایه با مباحث مربوط به «ریاضیات مالی» و «بانکداری» است و هم رفاقت نزدیکی با «علم اقتصاد» و «دانش کسب‌وکار» دارد. قسمت تلخ ماجرا این است که شنیدن این جملات، برای خیلی از ما مساوی است با قطع امید از اینکه بشود باسواد در این حوزه را ممکن و شندنی دید! هنوز جا دارد که به پرورش باسواد مالی بیندیشیم. هنوز هم حیف است که کسی در مواجهه با این پرسش که «علم بهتر است یا ثروت؟»، علم را کنار بگذارد!

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

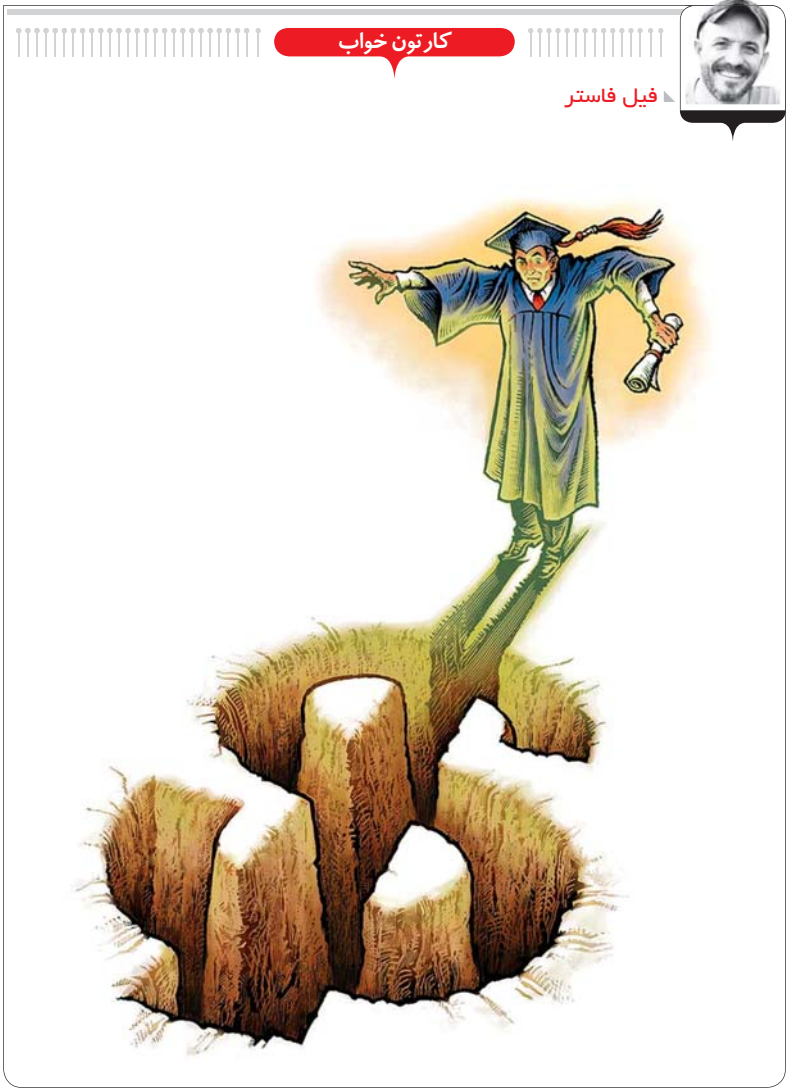
شنبه ۱۷ آذر ۱۳۹۷ • ۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۰ • ۸ دسامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۱۰ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۵۶ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۳۳ • طلوع آفتاب ۷:۰۲

روزانه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

فیلم فاستر



زیر آسمان

آنجلینا جولی و اعلامیه حقوق بشر

برنامه‌های خاص انتشار هفتادمین سالگرد اعلامیه حقوق بشر در سراسر کشورها و به‌خصوص از سوی سازمان ملل آغاز شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر با هدف ایجاد و تضمین حقوق و آزادی‌های برابر برای همه مردم به تصویب رسید. این اعلامیه در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب رسیده است. این اعلامیه نتیجه مستقیم جنگ جهانی دوم بوده و برای اولین‌بار حقوقی را که تمام انسان‌ها مستحق آن هستند به‌صورت جهانی بیان می‌دارد. حقوق بشر به حقوقی گفته می‌شود که همه‌گان در همه زمان‌ها و مکان‌ها و از آن برخوردارند. مفاد این اعلامیه از

نظر بسیاری از پژوهشگران الزام‌آور بوده و از اعتبار حقوق بین‌الملل برخوردار است، زیرا به صورت گسترده‌ای پذیرفته شده و برای سنجش رفتار کشورها به کار می‌رود.

اسمال در آستانه این روز، آنجلینا جولی، بازیگر شناخته‌شده، یکی از کسانی است که در فیلمی کوتاه به مناسبت هفتادمین سالگرد تصویب این بیانیه به بازخوانی دوباره پیام‌های این بیانیه پرداخته؛ سخنانی که از سوی سازمان ملل مطرح شده و یادآوری دوباره این نکته است که «همه انبای بشر آزاد و برابر آفریده شده‌اند، با حقوق و احترام برابر». در این پیام به اعلامیه حقوق بشر اشاره شده و این باید برای هرکدام از ما روشنگر و



بابک زمانی

رئیس انجمن سکنه مغزی

به‌تازگی بحث بازنشستگی در مؤسسات و به‌ویژه دانشگاه‌ها بالا گرفته است. بخش مهمی از این موضوع به سالمندی و در نتیجه دانش اعصاب مربوط می‌شود؛ بنابراین باید دید نگاه علمی در این زمینه چیست و تنها از همین زاویه به موضوع نگاه کرد. به‌ویژه آنکه به نظر می‌رسد این بحث به‌تازگی حواشای اجتماعی بسیاری پیدا کرده باشد؛ مثل این نگاه رایج که گویی اشتغال جیره است و باید به همه برسد. نگاه کوپنی به اشتغال بی‌تردید ریشه در اقتصاد دولتی دارد و بر مبنای نظریاتی بوده است که دولت را متولی اداره مستقیم تمام مؤسسات و شهروندان را همگی کارکنان دولت می‌دیده‌اند. بنابراین دولت هرچه بیشتر متورم شده و در طول سال‌ها، بسیاری از اشتغال‌ها غیرمولد و تنها تبدیل به بهانه‌ای برای دریافت حقوق می‌شوند. واقعیت این است که این پدیده اگرچه بسیار شایع است؛ اما عمومیت ندارد. اشکال بزرگ از جایی شروع می‌شود که جامعه این نگاه به اشتغال و بازنشستگی را عمومیت داده، قوانین عام برای بازنشستگی تصویب می‌کند و در



قادر باستانی

مدرس علوم ارتباطات

فقط ایران نیست؛ در همه جای دنیا، رسانه‌های اجتماعی شرایط ابراز خشم را برای مردم بیش‌ازپیش مهیا کرده‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد خشم، در صدر فهرست احساساتی است که در جهان در رسانه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته می‌شود. اگر قبلاً موضوعی شما را خشمگین می‌کرد، فقط به افراد دوروبر خود می‌توانستید انتقال دهید. اکنون به برکت وجود رسانه‌های اجتماعی، این امکان برایتان فراهم است که جمع ناشناخته بسیار وسیعی را آگاه کنید و باعث سرایت خشم شوید. محققان دریافته‌اند که خشم هم مانند هر محرک دیگری، دارای خاصیتی اعتیادآور است که به آن عادت می‌کنید و آن‌وقت به دنبال چیزهایی می‌گردید که شما را عصبانی کند.

ما دیگر فقط مخاطب رسانه‌ها نیستیم، «کاربر-مخاطب» هستیم که خودمان امکان نشر محتوا داریم. رسانه اجتماعی، راهی در اختیار کاربر-مخاطبان قرار داده تا این خشم را به همه عرصه‌ها تسری دهند. این تریبون‌های اجتماعی، سرایت هیستریک را میسر ساخته؛ اما چنین امکانی اصلاً بی‌ثمر نیست. ما وقتی بینیم که هنجاری اخلاقی نقض شده است، خشمگین می‌شویم؛ اما خشم خوب و خشم بد داریم. خشم خوب یا اخلاقی، حسی قدرتمند است که مردم را برمی‌انگیزد تا متخلفان را رسوا و مجازات کنند. مجازات اخلاقی می‌تواند نیرویی در خدمت خیر باشد؛ چون با انداختن تقصیر به گردن کشگران بد، همکاری را تحکیم می‌کند. فشار افکار عمومی باعث تغییرات ثمریخش در کنترل فساد اداری و افشای اجحاف در بخش‌های مختلف جامعه می‌شود و صاحبان قدرت در متوجه خشم افکار عمومی می‌کند که رفتار خود را تغییر دهند. اکنون خشم خوب در کشور ما باعث توجه بیشتر به حفظ محیط زیست و همچنین حقوق

آکادمی

«سنوات» ابن سینا

امرتیوس به نوعی کار علمی ادامه می‌دهند و ارتباط ایشان با مراکز آموزشی ادامه می‌یابد، کنفرانس‌های علمی را اداره می‌کنند، جلسات مشاوره و جلسات بررسی‌مرکومیر و عوارض برگزار می‌کنند و... به‌علاوه مسئولیت‌های جدیدی در انجمن‌های علمی، صنفی و حمایت از بیماران می‌پذیرند که تا پیش از آن به دلیل مشغله اجرایی آموزشی و درمانی امکان‌پذیر نبود. به‌تازگی اخباری درباره بازنشستگی استادان بزرگی که به‌درستی در جایگاه واقعی خود قرار دارند، به گوش می‌رسد که باورکردنی نیست. دکتر ایرج فاضل بی‌تردید اسطوره زنده و استاد علم و اخلاق بسیاری از استادان امروز جامعه پزشکی است. این ادعا اقرار نیست. نگاهی به تفاوت آرای ایشان با منتخب بعدی انتخابات نظام‌پزشکی اخیر تردیدی در این مدعا نمی‌گذارد؛ درایت و اشرافی بی‌نظیر بر تمام جوانب مسائل سلامت دارند و محلی‌محور برای حل بسیاری گرهِای لاینحل بین مردم و دولت و پزشکان به شمار می‌روند. آیا مثال روشن ایشان گویای این نیست که باید به سراغ آن تبصره‌ها و آیین‌نامه‌های کپک‌زده رفت و نگاهی انسانی‌تر و البته مقیدتر به حال مردم و جامعه و به موضوع اشتغال انداخت؟ شاید مقرر بود که این آداب‌عادت‌شده غیرمنطقی هم با مطرح‌شدن شخص ایشان و باز هم به‌واسطه حضور ایشان حل شود.

سلام به فردا

خشم بی‌امان در رسانه‌های اجتماعی

عمومی ناشی از فعالیت شبکه‌ای مردم، به مسئله اجتماعی تا حدی فراهم شده و حاکمیت اگر نتواند این شرایط را مدیریت کند، وضعیت نامشخصی در انتظار جامعه خواهد بود. به نظر من دو راه برای تبدیل این تهدید خطرناک به یک فرصت عالی وجود دارد که گذار به شرایط عادی را فراهم می‌کند. راه نخست، زمینه‌سازی برای تقویت نشاط اجتماعی و رفع موانع عدیده آن است که در اینجا رسانه ملی و شبکه‌های فرهنگی نقش پُرنرنگی دارند. فعالیت انحصاری و محفلی رادیو و تلویزیون، مخاطب را از آن گریزان کرده و به دامن ماهواره و شبکه‌های اجتماعی انداخته است. محتوای این‌همه شبکه ریزودرشت صداوسیما، یکسان است و تنوع گفتمانی ندارد. کافی است یک شبکه رادویی و یک شبکه تلویزیونی برای محتوای موجود در نظر گرفته شود و مابقی در اختیار خیل عظیم هنرمندان مردمی و سلاطین متنوع اجتماعی قرار گیرد تا نشاط مثبت اجتماعی را بالا ببرند.

راه دوم تغییرات خوب در نهادهای حکمرانی است. مراکز قدرت در ایران، قابل تقسیم به انتخابی و انتصابی است. عمده‌کار در دست بخش انتخابی است. مردم وقتی از این بخش ناراضی باشند، در خود قدرت کنترل می‌بینند و احساس می‌کنند که می‌توانند چهار سال دیگر دوباره انتخابش نکنند. بخش انتخابی وقتی دچار ناکارآمدی باشد، فراقفنی می‌کند و تقصیر را متوجه بخش انتصابی می‌کند که امکان فعالیت مؤثر نمی‌دهد و این امر آتش خشم افکار عمومی را در شرایط مساعد شعله‌ور می‌کند.

در همین ماجرای قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان، مردم دیدند که این قانون شامل همه بخش‌ها نشد و غالب چهره‌ها همچنان مصمم بر جای خود نشست‌اند. بروز و ظهور تغییرات مناسب و درخورتوجه در این بخش، به نحوی که احساس کنترل را در مردم بیشتر کند، باعث خواهد شد انرژی بزرگ حاصل از خشم بی‌امان کاربر - مخاطبان، به جای تخریب، متوجه پیشرفت و توسعه بیش‌ازپیش ایران عزیز شود. ایران در انتظار تصمیمات بزرگ است.

تجربه دیگران

آیا در غربت می‌میرم؟

امکانات، بهداشت عمومی را به خطر می‌اندازد، چون خطر ابتلا به ویروس HIV و تعداد مبتلایان را افزایش می‌دهد. اگر پناهندگان و مهاجران مبتلا از مراجعه به مراکز بهداشتی به علت قوانین تبعیض‌آمیز ترسند یا نگران اخراج - برای نداشتن اقامت قانونی باشند- خطر انتقالی در کشورهای میزبان افزایش می‌یابد. آرتورو در نهایت تعجب درمی‌یابد که فقط ۲۰ روز طول می‌کشد تا درمان را در لیما آغاز کند. او می‌گوید: «مراقبت پزشکی فوق‌العاده بود. بلافاصله درمان را شروع کردم. رفتار همه بسیار محترمانه بود». در پرو، دسترسی به داروهای آنتی‌رتروویرال رایگان است. باین‌حال تضمینی وجود ندارد که درمان همیشه در دسترس و مؤثر باشد. یک سازمان وابسته به کمیساریای عالی پناهندگاناز چندین مرگ گزارش داد، علاوهبراین، اکثر پناهندگان و مهاجران دسترسی به سیستم بهداشت عمومی ندارند و از جمله درمان و سایر امکانات مربوط به ابتلا به ایدز، به علت شرایط خاص افراد آسیب‌پذیر، ونزوئلایی‌های مبتلا به ایدز می‌توانند برای اقامت دائمی در پرو درخواست دهند. برای آنکه واجدان شرایط مورد معاینه پزشکی قرار گیرند و کنترل‌های بهداشتی روی آنها انجام شود، شاید حدود ۱۷۰ سول (۵۰ دلار آمریکا) هزینه دربر داشته باشد. باین‌حال پناهندگان به کمک سازمان‌های مردم‌نهاد بالاخره به درمان و مراقبت دسترسی پیدا کرده‌اند.

نتیجه هم جامعه را از درک و تدبیر متعالی انسان‌هایی با تجربه و دانش عمیق و طولانی بی‌بهره می‌کند و هم نیازی به پایش کارایی سایر شاغلان و حتی پایش بروز زوال عقل قبل از مراحل پیشرفته آن نمی‌بیند. باید گفت زوال عقل و به‌ویژه آلزایمر یک بیماری است که در سنین بالاتنها شیوع بیشتری دارد و سرنوشت محتوم دوران سالمندی -آن‌گونه که پیش‌ازاین تصور می‌شد- نیست. نته‌تها این؛ بلکه در سالمندانی که مبتلا به آلزایمر نشده‌اند، معمولاً درجات بالاتری از اشراف و آگاهی پدید می‌آید که از قدیم آن را ریش‌سفیدی می‌خوانند یا مثلاً می‌گویند آنچه پیر در خشت خام می‌بیند.... در سنت‌های ما هم از ابن‌سینا تا همین الان بازنشستگی در میان علما معنایی نداشته و کسی سنوات ایشان را حساب نمی‌کرده است. از اینها گذشته امکانات پیشرفته پزشکی به‌ویژه در زمینه‌های عفونی، قلب و عروق، مغز و اعصاب و توان‌بخشی قادر شد

است دوران توانمندی بشر را به نحو خارق‌العاده‌ای طولانی کند؛ هم از نظر فیزیکی و هم از نظر عقلی. در مراکز دانشگاهی دنیا که نگارنده تنها از پزشکی آن مطلع است، راه‌حلی که به آن رسیده‌اند، آن است که در بازنشستگی- که عمدتاً به دلیل رفاه استادان قدیمی و استفاده از توان و نگاه مدیریتی نیروهای جوان‌تر صورت می‌گیرد- استادان بازنشسته به شکل پروفیسور

حیوانات شده است. اما خشم، بد، زمانی است که سرایت انفجارگونه نارضایتی، نظم و امنیت را از جامعه سلب کند و آرامش و آسایش عمومی مورد تهدید واقع شود. دراین‌صورت جامعه به سمت آتارشیسم و هرج‌ومرج پیش می‌رود و ارکان اجتماعی متلاشی می‌شود. انفجار توده‌ای، خشک و تر را با هم می‌سوزاند و نتیجه‌ای فاجعه‌آمیز به بار می‌آورد. همه به یاد داریم ویدئوی وایرال‌شده یک دست‌فروش جوان تونس‌ی را که خود را معترضانه آتش زد، چگونه انفجار مهیبی را در کشورهای عرب ایجاد کرد که هنوز تبعات آن فروکش نکرده است.

تحقیقات اخیر نشان داده محتوای براگزاینده در حالت آنلاین، در مقایسه با آفلاین، نیرومندتر است. محققان در حال بررسی هستند که پلتفرم‌های رسانه‌های دیجیتال، تا چه حد احساسات اخلاقی را تشدید و شکل‌گیری عادت را ترویج می‌کنند، گفتارهای اجتماعی ثمریخش را سرکوب می‌کنند و ماهیت خشم خوب را تغییر می‌دهند. هدف محققان آن است که بفهمند چگونه فناوری‌های جدید می‌تواند احساسات اجتماعی را از نیرویی در خدمت خیر جمعی، به ابزاری برای خودنابودگری جمعی تبدیل کند. تحقیقات در ایالات متحده و انگلستان، نشانگر آن است که رسانه‌های اجتماعی، خشم عمومی را افزایش داده است. در ایران هنوز تحقیقی دراین‌باره صورت نگرفته؛ اما شواهد نشان می‌دهد بردباری اجتماعی کاهش یافته و پُست‌های خشم‌آلود، عرصه رسانه‌های اجتماعی را تسخیر کرده است. بروز خشم دیجیتال در کاربرانی کشورمان، ارکان جامعه را هدف گرفته و اگر اولیای امور چاراندیشی نکنند، وضعیت غیرقابل‌انتظاری حاصل خواهد شد. فشار فزاینده اقتصادی بر اقشار متوسط و ضعیف جامعه، تعمیق شکاف نابرابری‌های اجتماعی، بی‌کاری مزمن جوانان، فسیل‌شدگی و تغییرناپذیری برخی لایه‌های مدیریت، دست به دست هم داده و حرکات بی‌سابقه آمریکا و متحدان منطقه‌ای را تشدید برخورد اقتصادی و سیاسی، آن را به مرز قابل‌تأملی رسانده است. شوربخانه، زمینه لازم برای تبدیل خشم

را ترک کنیم. واقعا می‌ترسیم که هیچ دارویی گیرم نیاید». او کمتر از شش ماه است که کشور را ترک کرده و می‌گوید پنج نفر از دوستانش که مبتلا به ایدز بودند و در ونزوئلا ماندند، اکنون مرده‌اند. کشورهایی مانند پرو ساله نمی‌دانند آیا امکان دسترسی به داروهای بیماری ایدز (HIV) را پیدا خواهد کرد یا نه: «آیا در این کشور در غربت می‌میرم؟» بیش از سه میلیون پناهنده و مهاجر تاکنون ونزوئلا را ترک کرده‌اند. نبود دارو، هزاران نفر، به‌ویژه افراد مبتلا به بیماری‌های مزمن مانند HIV/AIDS را وادار کرده به امید درمان به کشورهای دیگر بروند. برای افراد مبتلا به ایدز، دسترسی به درمان نه‌فقط فرصتی برای زنده‌ماندن، بلکه راهی به‌سوی یک زندگی عادی است. طبق گزارش UNAIDS، بیش از هفت هزار و ۷۰۰ ونزوئلایی در خارج از کشور خود زندگی می‌کنند و نیاز به درمان دارند. بیماری آرتورو در سال ۲۰۰۰ تشخیص داده شد. او تا همین دو سال پیش که دسترسی به دارو کاهش پیدا کرد، زندگی راحت و سلامتی را در کاراکاس ونزوئلا می‌گذراند و به حرفه آرایشگری مشغول بود. او برای دریافت قرص‌هایی که روزانه به آنها نیاز داشت، به دوستانی که در بازار سیاه بودند متوسل شد، اما مدتی بعد یافتن دارو با این روش هم سخت شد. آرتورو احساس کرد که یک گزینه بیشتر پیش‌رو ندارد. می‌گوید: «تصمیم گرفتم کشور

UNHCR، آرتورو که در اتوبوسی پر از جمعیت نشسته، موقع رسیدن به لیما، پایتخت پرو، پس از هفت روز در جاده گذراندن و هزاران کیلومتر دور از کشورش، ونزوئلا، احساس وحشت می‌کند. این مرد ۴۷ ساله نمی‌داند آیا امکان دسترسی به داروهای بیماری ایدز (HIV) را پیدا خواهد کرد یا نه: «آیا در این کشور در غربت می‌میرم؟» بیش از سه میلیون پناهنده و مهاجر تاکنون ونزوئلا را ترک کرده‌اند. نبود دارو، هزاران نفر، به‌ویژه افراد مبتلا به بیماری‌های مزمن مانند HIV/AIDS را وادار کرده به امید درمان به کشورهای دیگر بروند. برای افراد مبتلا به ایدز، دسترسی به درمان نه‌فقط فرصتی برای زنده‌ماندن، بلکه راهی به‌سوی یک زندگی عادی است. طبق گزارش UNAIDS، بیش از هفت هزار و ۷۰۰ ونزوئلایی در خارج از کشور خود زندگی می‌کنند و نیاز به درمان دارند. بیماری آرتورو در سال ۲۰۰۰ تشخیص داده شد. او تا همین دو سال پیش که دسترسی به دارو کاهش پیدا کرد، زندگی راحت و سلامتی را در کاراکاس ونزوئلا می‌گذراند و به حرفه آرایشگری مشغول بود. او برای دریافت قرص‌هایی که روزانه به آنها نیاز داشت، به دوستانی که در بازار سیاه بودند متوسل شد، اما مدتی بعد یافتن دارو با این روش هم سخت شد. آرتورو احساس کرد که یک گزینه بیشتر پیش‌رو ندارد. می‌گوید: «تصمیم گرفتم کشور

کنسرت گروه موسیقی مارال



فرهنگسرای نیاوران ۲۰:۱۹ و ۲۲:۲۰ آذرماه ساعت ۲۰ تهیه بلیط : www.iranconcert.com